

مروری بر تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

معرفی مقاله: نوشته: دکتر علی اکبر سیاری

این مقاله مروری بر تجارب برنامه‌ریزی آموزش عالی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران داشته و به بررسی مراحل برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی پرداخته است.

نگارنده نخست مراحل طراحی، سازماندهی، عملکرد گذشته و وضع موجود، تدوین هدفها و سیاستها و راهبردهای برنامه را تحلیل نموده است. سپس به تبیین چگونگی تدوین برنامه اجرائی، تلفیق و تصویب برنامه و نظام نظارت و ارزیابی آن اهتمام ورزیده است.

در پایان مقاله، نگارنده با عنایت به تجارب و واقعتهای برنامه اول، به توصیه‌های کاربردی در خصوص طراحی و تدوین برنامه‌ها، بالأخص در برنامه دوم پرداخته است.

این مقاله توسط آقای دکتر علی اکبر سیاری، معاون محترم هماهنگی و سرپرست مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در اختیار فصلنامه قرار گرفته که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌گردد.

“فصلنامه”

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همان برنامه‌های آموزشی و درسی قبل از انقلاب فقط با تغییر مدیریت در سطوح مختلف شروع به کار نمودند. در سال ۵۹ به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، انقلاب فرهنگی به وسیله دانشجویان مسلمان دانشگاهها شروع و با فرمان امام خمینی، رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل گردید. تجارب به دست آمده از این مرحله و آثار انقلاب فرهنگی بر آموزش عالی کشور نیاز به مطالعه و تحقیق دارد که در این مقاله قصد ورود به آن را ندارم و باید توسط افراد علاقه‌مند این کار انجام و منتشر شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۱ شورای اقتصاد، که یکی از شوراهای سیاستگذار کشور است، تصویب نمود که اولین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور طراحی گردد. مسئولیت این شورا در آن موقع با نخست‌وزیر، و امروز با رئیس جمهور کشور می‌باشد و اعضای آن را بیشتر وزرای اقتصادی کشور تشکیل می‌دهند. این برنامه در سال ۶۱ طراحی گردید. و زمان اجرای آن از سال ۶۲ لغایت ۶۷ در نظر گرفته شده بود.

برنامه به دلایل متعدد، از جمله جنگ تحمیلی، در مرحله تصویب در مجلس شورای اسلامی متوقف ماند. آنچه مسلم است از این مرحله برنامه‌ریزی در کشور، که برای اولین بار به وسیله کارشناسان و متخصصان داخل و بدون مشارکت کارشناسان خارجی انجام شده تجربه‌های خوبی به دست آمده. که امیدوارم به وسیله مسئولان طراحی بخشهای مختلف برنامه به رشته تحریر درآمده و برای بهره‌برداری منتشر گردد.

شورای اقتصاد مجدداً در تاریخ ۶۷/۸/۹ تصویب نمود که اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تهیه گردد. سازمان برنامه و بودجه به عنوان دبیرخانه این شورا، سازماندهی لازم برای طراحی برنامه راتهیبه و به تصویب شورای اقتصاد رساند.

در این سازماندهی ابتدا هیأت دولت و بعد شورای اقتصاد قرار گرفته است. در زیر مجموعه شورای اقتصاد، ۸ شورای برنامه‌ریزی بخش در نظر گرفته شده که یکی از آنها شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ است. مسئولیت این شورا طراحی و تصویب برنامه بخشهای فرهنگ، شامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما و سایر مجموعه‌های فرهنگی کشور، برنامه بخش آموزش و پرورش عمومی، فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و تحقیقات کشور می‌باشد. در زیر مجموعه این شورا کمیته‌های کارشناسی برنامه‌ریزی قرار گرفته که یکی از آنها کمیته برنامه‌ریزی آموزش عالی و تحقیقات بود. وظیفه این کمیته طراحی برنامه بخش آموزش عالی و تحقیقات کشور، و مسئولیت آن با معاون هماهنگی و قائم مقام وزیر فرهنگ و آموزش عالی بوده است.

چون حجم کار کمیته و تنوع آن زیاد بود در اولین جلسه کمیته، برای طراحی برنامه تحقیقات کشور، مقرر شد کمیته فرعی با مسئولیت معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل گردد که در این کمیته تعدادی از معاونین پژوهشی دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی وزارتخانه‌های مختلف مشارکت داشتند. و برنامه بخش تحقیقات کشور به طور جداگانه تهیه و به تصویب رسید.

آنچه در این مقاله به اطلاع خوانندگان می‌رسد مربوط به طراحی برنامه آموزشی بخش آموزش عالی می‌باشد.

مراحل برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی

۱- طراحی

۱-۱- سازماندهی

وزارت فرهنگ و آموزش عالی در تاریخ ۶۷/۸/۲۵ براساس سازماندهی ابلاغ شده برای طراحی برنامه اول توسعه کشورستادی راجهت تدوین برنامه توسعه بخش آموزش عالی و تحقیقات باعنوان "کمیته برنامه‌ریزی آموزش عالی و تحقیقات" تشکیل داد.

مسئولیت این کمیته، همان طور که در بالا اشاره شد، با معاون هماهنگی و قائم مقام وزیر بود. اولین جلسه کمیته در تاریخ ۶۷/۹/۲ تشکیل شد، و تا زمان تصویب برنامه، حدود ۳۰ جلسه رسمی علاوه بر جلسات متعدد و فرعی برگزار گردید. اعضای کمیته را تعدادی از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران که غالباً "رشته آنها اقتصاد بود، تعدادی از اعضای هیأت علمی و کارشناسان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه (مدیریت آموزش عالی و تحقیقات) و یک نفر عضو هیأت علمی و حسب مورد کارشناس مربوطه از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌دادند. کمیته، گروه‌های کاری حسب مورد تشکیل داد. افراد در خارج از جلسات روی موضوعها کار می‌کردند و نتیجه را به اطلاع رئیس کمیته می‌رساندند. رئیس کمیته موضوعهایی را که کار کارشناسی آن انجام شده بود به اطلاع اعضای رساند و در دستور کار جلسات قرار می‌داد.

دستورالعمل‌های لازم در مورد سقف اعتبارات جاری و عمرانی و ارزی و ریالی برنامه بخش، خصوصی سازی و زمانبندی تهیه برنامه رادبیرخانه شورای اقتصاد، یعنی همان سازمان برنامه و بودجه، به کمیته ابلاغ می‌کرد. دبیرخانه فوق بر میزان پیشرفت کار نظارت داشت و به طور مرتب گزارش پیشرفت کار تمام کمیته‌ها را مقایسه و منتشر می‌کرد. این امر، تشویقی در تهیه برنامه محسوب می‌شد زیرا کمیته‌ها پیشرفت کار همدیگر را مقایسه می‌کردند.

۲-۱- تحلیل عملکرد گذشته و وضع موجود

بر اساس دستورالعمل دبیرخانه شورای اقتصاد، اولین اقدام تهیه گزارش تحلیلی از عملکرد گذشته و وضع موجود بخش آموزش عالی بود. این تحلیل با توجه به نقاط قوت و ضعف، مشکلات و تنگناها و عوامل (درونی و بیرونی) مؤثر بر عملکرد در کتابی با عنوان "بررسی عملکرد آموزش عالی ایران"، که در اسفند ماه ۱۳۶۷ به تصویب کمیته برنامه‌ریزی آموزش عالی و تحقیقات رسیده بود منتشر گردید. که خلاصه‌ای از آن به تصویب شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ رسید.

در تهیه بررسی عملکرد گذشته و وضع موجود مشکلات متعددی به شرح زیر وجود داشت:
۱- اطلاعات قابل اعتماد و روزآمد وجود نداشت.

- ۲- دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی به موقع نمی‌توانستند اطلاعات درخواستی کمیته را تهیه و ارسال کنند. زیرا توجه نشده بودند، پایگاه اطلاعات نداشتند و فاقد نیروی انسانی آشنا به امر برنامه ریزی بودند. در ضمن، مشکلات روزمره فرصت تفکر برنامه‌ای را به مدیران نمی‌داد، و این درخواستها را هم از جمله مشکلات جدید به حساب می‌آوردند که بر مشکلات موجود آنان اضافه می‌شد.
- ۳- دستورالعملهایی که از دبیرخانه شورای اقتصاد ارسال می‌شد روزآمد نبود و فاقد راهنمایی کافی بود.
- ۴- اعضای کمیته آشنایی و تجربه لازم برای برنامه ریزی توسعه را نداشتند و همه مشغول کارهای متعدد دیگری بودند و این کار را به طور جنبی انجام می‌دادند در واقع، افراد تمام وقت در خدمت تهیه برنامه نبودند.
- ۵- مطالعات و تحقیقات علمی لازم قبلاً روی عوامل مؤثر بر عملکرد آموزش عالی انجام نشده بود و در موقع تهیه برنامه هم فرصت انجام آن وجود نداشت.
- ۶- تهیه گزارش عملکرد گذشته و وضع موجود، وقت زیادی را (حدود ۴ ماه) به خود اختصاص داد. قسمت عمده‌ای از مشکلات، ناشی از فقدان یک سازماندهی و تشکیلات مناسب برای برنامه ریزی در آموزش عالی کشور بود.
- ۳-۱- تدوین هدفها، استراتژیها و سیاستهای برنامه
- در تنظیم و تدوین برنامه‌ها و طرحهای توسعه از روشهای گوناگونی استفاده می‌شود. مثلاً، (۱) روش مبتنی بر تقاضای اجتماعی، که به منظور پاسخگویی به تقاضای طبقات مختلف به ویژه گروههای محروم اجتماع و یا نیاز و علاقه افراد برای تحصیل در رشته خاصی است و هدفهای کمی برنامه متناسب با تقاضای افراد برای ورود به آموزش عالی تعیین می‌گردد، (۲) روش مبتنی بر نیاز به نیروی انسانی متخصص و ماهر، در این روش معمولاً هدفهای کمی آموزش عالی با توجه به تقاضای بازار کار و متناسب با ساختار اقتصادی تعیین می‌شود، (۳) روش نرخ بازده اقتصادی، که سعی می‌کند تعادلی بین سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و بازده اقتصادی آن برقرار شود، و (۴) سرانجام ممکن

است ترکیبی از روشهای یادشده مورد استفاده قرار گیرد.

از آنجایی که مطالعات منسجمی درباره نیاز به نیروی انسانی متخصص انجام نگرفته بود و آمار دقیقی از تراز نیروی انسانی متخصص در دسترس نبود، از طرفی به دلیل محدود بودن منابع مالی، اعم از اعتبارات جاری و عمرانی، امکان تأمین تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی مقدور نبود، همچنین با توجه به افت شاخصهای کیفی در سالهای گذشته، برای تدوین برنامه تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

- با توجه به تحلیل عملکرد گذشته بخش، یکی از تنگناهای عمده کمبود فضای آموزشی بود. زیرا نرخ بهره‌برداری از فضای آموزشی بشدت افزایش یافته بود و در تدوین برنامه بخش، نقش تعیین‌کننده‌ای به خود گرفت. لذا، با توجه به ظرفیتهای فیزیکی موجود دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و ظرفیتهای در دست احداث، برآورد دانشجو به نحوی انجام شد که در طول برنامه نرخ بهره‌برداری از فضاهای آموزشی بهبود پیدا کند.

تنگنای دوم کمبود هیأت علمی بود. لذا اولویت اول به تربیت و تأمین نیروی انسانی (هیأت علمی) مورد نیاز بخش داده شد. یعنی توسعه دوره‌ها و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا در برنامه و کاهش دانشجویان دوره‌های کارشناسی در نظر گرفته شد.

در بین گروههای آموزشی رشد گروه علوم انسانی در مقطع کارشناسی تقریباً متوقف گردید و هدفهای برنامه با توجه به اولویت بخش و گروههای آموزشی تدوین شد.

در تهیه استراتژیها و سیاستها تلاش شد مسیری انتخاب شود که وضع موجود بخش بهبود پیدا کند، مناطق برخوردار با توجه به امکانات، به بهره‌بری بیشتری برسند و برای مناطق واقشار محروم تسهیلات بیشتری فراهم گردد، از منابع غیر دولتی حداکثر استفاده ممکن بشود، ارتباط علمی بین دانشگاههای داخل و خارج گسترش پیدا کند و برای برنامه ریزی آموزش عالی سازماندهی و تشکیلات مناسب به وجود آید.

۴-۱- تدوین برنامه اجرایی

در تهیه برنامه اجرایی با مشکلات زیادی مواجه شدیم. از جمله اطلاعات لازم در مورد طرحهای در حال اجرا و آینده را در اختیار نداشتیم. در کمیته برنامه ریزی توافق شد طرحهای در حال اجرا ادامه یافته و طرحها و پروژه‌های برنامه دوم که باید در برنامه اول شروع می‌شد در حد کلان آن به تفکیک گروههای آموزشی در برنامه آورده شود. این

موضوع یک نقطه ضعف برنامه بود، زیرا طرح و پروژه در گروه‌های آموزشی به تفکیک دانشگاهها مورد نیاز بود که امکان تهیه آن در فرصت کم وجود نداشت.

در مورد برآورد اعتبار مورد نیاز بر مبنای هزینه سرانه جاری ریالی و ارزی مشکلاتی داشتیم. زیرا مطالعه با روش جزء به کل نیاز به وقت زیادی داشت که فرصت آن نبود و متأسفانه تا کنون هم انجام نشده و مجبور شدیم از روش کل به جزء برآورد کنیم. به این ترتیب که با توجه به سقف اعتبار جاری ریالی تعیین شده از طرف دبیرخانه شورای اقتصاد برای بخش، برآورد هزینه سرانه بر اساس عملکرد گذشته و وضع موجود بخش به تفکیک گروهها و با در نظر گرفتن این سیاست که شاخصهای بخش باید بهبود یابند، برای هر دانشجو به تفکیک گروههای آموزشی و مقاطع تحصیلی هزینه سرانه‌ای محاسبه و سالانه با ضرایبی آن رابهبود بخشیدیم. این نوع برآورد در واقع نقطه ضعف کار ما بود زیرا پایه محاسباتی آن ضعیف بود. همین مشکل را در برآورد ارز مورد نیاز هم داشتیم که با روش فوق عمل کردیم. سرانجام برنامه در محدوده زمانی اعلام شده تهیه و در شورای آموزش و فرهنگ مطرح گردید.

۲- تلفیق برنامه

تلفیق برنامه بخشهای آموزش و پرورش عمومی، فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و تحقیقات و فرهنگ با همدیگر از یک سو، و تلفیق اینها با کل برنامه کشور از سوی دیگر، بر عهده سازمان برنامه و بودجه بود که به وسیله کارشناسان سازمان انجام شد و کمیته‌ها نقش چندانی نداشتند. با توجه به محدودیت منابع مالی در بسیاری از موارد اعتبارات برآورد شده به وسیله سازمان برنامه و بودجه کاهش یافت ولی هدفها، شاخصها و سیاستها بدون تغییر باقی ماند.

این مشکل در تمام سالهای اجرایی برنامه به خصوص در موقع تنظیم و تصویب بودجه‌های سالیانه آموزش عالی به صورت حادی ظاهر می‌شود. این یک مرحله حساس در نظام برنامه ریزی کشور است که باید به آن توجه داشت و برای دخالت و حضور قوی در دفاع مستدل و منطقی از برنامه و اعتبارات پیش بینی شده باید چاره اندیشی نمود. عدم حضور قوی در این مرحله ممکن است باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشور در سالهای آینده گردد. البته این مرحله تلفیق در بخش

آموزش عالی هم باید اتفاق بیفتد. به این معنی که برنامه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی با همدیگر تلفیق و در یک رفت و برگشت متقابل سهم هر کدام از آنها از نظر هدفها و منابع تعیین و تصویب گردد، که این مرحله در برنامه اول با تمام تلاشی که انجام شد، تحقق پیدا نکرد و از نقاط ضعف دیگر برنامه اول محسوب می‌شود. ولی در برنامه دوم، با استفاده از تجربه کسب شده در برنامه اول و آمادگی که مدیران و دست اندرکاران برنامه ریزی بخش پیدا می‌کنند، امیدواریم به خوبی تحقق پیدا کند.

۳- تصویب برنامه

مرحله تصویب برنامه در دولت و مجلس شورای اسلامی هم از مراحل حساس برنامه ریزی محسوب می‌شود که در برنامه اول به علت تغییر تعدادی از وزراء، به خصوص تغییر وزیر فرهنگ و آموزش عالی، که درست در موقع طرح برنامه در دولت اتفاق افتاد و عدم حضور دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی در این مرحله، از مشکلات دیگر برنامه بود. گرچه در این مرحله کاهش اعتبارات ریالی و ارزی که در مرحله تلفیق برنامه بخش اتفاق افتاده بود، تا حدودی جبران شد، ولی با این وجود، در مواردی به نصف سقف اعتبارات برآوردی هم نرسید.

۴- اجرا

برنامه در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ولی شروع اجرای آن از ابتدای سال ۶۸ و پایان آن سال ۷۲ می‌باشد. چون ساختار و تشکیلات لازم برای اجرای برنامه تهیه نشده بود و وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاهها هم از انعطاف لازم برخوردار نبودند و بستر لازم برای اجرای برنامه آماده نبود مرحله اجرا با مشکلاتی به شرح زیر مواجه شد:

۱- در قسمت ستادی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آمادگی لازم، برای اجرای برنامه به وجود نیامده بود و هیچ تغییر ساختاری هم بجز ایجاد واحدی برای انجام تحقیقات و برنامه‌ریزی پیش‌بینی نشده بود. ولی به تدریج معاونت عمرانی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تقویت شد و قسمت عمرانی توانست اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده و آمادگی لازم برای اجرای برنامه عمرانی دانشگاهها و نظارت و ارزیابی آن را پیدا نماید که موفقیت بزرگی برای برنامه محسوب می‌شود.

شورای گسترش آموزش عالی سمت‌گیری مصوبات خود را به طرف توسعه دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشد متوجه نمود و مطالعاتی هم برای این امر انجام شد ولی اهرمهای لازم برای اجرای مصوبات را در اختیار نداشت به طوری که در بسیاری از موارد مصوبات اجرا نمی‌شد.

در مجموع می‌توان گفت مصوبات شورای گسترش در سالهای اخیر تا حدودی متناسب با هدفهای برنامه بوده، ولی برای آن که ثمربخش تر شود نیاز به تغییر در ساختار شورا و دبیرخانه آن می‌باشد. شورای عالی برنامه‌ریزی که مسئولیت تهیه برنامه‌های درسی و آیین‌نامه‌های آموزشی را برعهده دارد، اطلاعات لازم توأم با نیروی انسانی متخصص برای برنامه‌ریزی را در اختیار ندارد. از این رو، تصویب و ابلاغ و اجرای برنامه آموزش عالی تأثیر چندانی بر روند کار آنان نگذاشته است.

۲- دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی: چون دانشگاهها در مرحله طراحی، تلفیق و تصویب برنامه حضور نداشتند و آمادگی لازم از نظر تشکیلات و سازماندهی و نیروی انسانی به خصوص مدیریت را کسب نکرده بودند، از این رو، برنامه در اجرا با مشکل مواجه شده است.

در این مرحله تلاش زیادی انجام شد که دانشگاهها بتوانند برنامه اول توسعه خود را تهیه کنند. در ابتدا کمیته‌های برنامه‌ریزی در سال ۶۸ در دانشگاهها با مسئولیت معاونت آموزشی یا پژوهشی بوجود آمد، در ضمن، سمینار برنامه‌ریزی بخش آموزش عالی مربوط به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آذر ماه سال ۶۸ با حضور مسئولان کمیته‌ها به منظور آشنایی با برنامه و توجیه چگونگی انجام کار برگزار گردید. در تمام سمینارهای رؤسای دانشگاهها هم موضوع برنامه و اهمیت برنامه‌ریزی و انجام دادن کارها بر اساس برنامه‌های مدون مطرح گردید و در هر سمینار تلاش شد که دو دانشگاه عملکرد گذشته و برنامه آینده‌شان را ارائه نمایند. دوره‌های توجیهی و آموزشی برای تعدادی از رؤسا، معاونان و کارشناسان دانشگاهها تشکیل شد و این امر باعث گردید که در چند دانشگاه تشکیلات لازم برای برنامه‌ریزی ایجاد شود و تهیه برنامه را به صورت جدی پیگیری کنند که در مواردی هم به نتیجه رسیده است. ولی در مجموع، مشکلات روزمره دانشگاهها و مشغله فکری مدیران مانع از آن است که این تلاشها همه‌گیر شود و به بار بنشیند و چرخ حرکت دانشگاهها را روی ریل برنامه بیندازد.

در پذیرش دانشجو، دانشگاهها جهت‌گیری عمومی برنامه‌ای داشتند. از جمله افزایش دانشجو در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا و کاهش دانشجویان دوره‌های کارشناسی رami توان نام‌برد. ولی این حرکت یک حرکت سازمان یافته برنامه‌ای و با توجه به شاخصها نبود. در مورد مسئله پذیرش در وزارت کارهایی انجام شد و سهم هر دانشگاه به تفکیک گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی برآورد گردید که تا حدودی اجرا می‌شود.

برای تأمین هیأت علمی سیاستهایی در برنامه کلان اتخاذ گردید و در مرحله اجرا همان روش سنتی، یعنی نظرخواهی وزارت از دانشگاهها، دانشگاه از دانشکده‌ها و دانشکده‌ها، از گروهها ادامه یافت و چون بیشتر گروهها هم اطلاعی از شاخصها، سیاستها و هدفهای برنامه نداشتند لذا، مشکل برآورد هیأت علمی مورد نیاز به تفکیک رشته و تخصص هنوز به قوت خود باقی است.

برآورد کارکنان غیر هیأت علمی مورد نیاز برنامه در سطح کلان انجام شد ولی به تفکیک رشته و مقطع تحصیلی و محل مورد نیاز (دانشگاه) انجام نشده است و مراحل جذب آن هم برای آموزش عالی مشکل آفرین است که در برنامه دوم باید تمهیداتی پیش‌بینی گردد.

از نظر منابع مالی در موقع تلفیق برنامه، هدفهای طراحی شده توسط کمیته و شورای برنامه‌ریزی در کمیته تلفیق عیناً تصویب شد ولی منابع مالی را به شدت کاهش دادند. و از طرف دیگر، در موقع طراحی برنامه، موضوع تعدیل اقتصادی دولت، افزایش حقوق اعضای هیأت علمی در حد سه برابر، نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و تغییرات وسیع نرخ ارز پیش‌بینی نشده بود. این موارد و تورم شدید سالیانه، و این که هر دستگامی می‌خواست مشکل خودش را حل کند، تورمی شدید روی آموزش عالی گذاشت. و باعث شد که دانشگاهها با کسری اعتبارات سرسام آوری مواجه شوند. به طوری که در سال ۷۰ حدود ۱۰۰ میلیارد ریال کسری اعتبار داشتند.

۵- نظارت و ارزیابی

مراحل طراحی، تلفیق و تصویب برنامه به وسیله دبیرخانه شورای اقتصاد (سازمان برنامه و بودجه) نظارت می‌شود.

در مورد نظارت و ارزیابی از اجرای برنامه باید گفت، چون دانشگاهها و مؤسسات

آموزش عالی برنامه‌اول توسعه خود را تهیه نکرده بودند گزارش عملکرد این‌گونه مؤسسات در حد کلان را، وزارت فرهنگ و آموزش عالی در دو مرحله تهیه کرد. مرحله اول برای سالهای اول و دوم اجرای برنامه و مرحله دوم برای سه سال اول اجرای برنامه تهیه و منتشر گردیده است. در ضمن، سازمان برنامه و بودجه نیز گزارشی از عملکرد سالهای اول و دوم برنامه بخش تهیه و منتشر نموده است.

باتوجه به فرارسیدن زمان طراحی برنامه دوم و استفاده از تجربه برنامه اول، در خردادماه سال ۱۳۷۱ تشکیلات و سازماندهی لازم برای طراحی برنامه دوم در وزارت فرهنگ و آموزش عالی پیش بینی گردید. این تشکیلات شامل شورای سیاست‌گذاری و کمیته‌های برنامه‌ریزی است که در هر کمیته اعضای هیأت علمی، مدیران هسته‌های کارشناسی را تشکیل می‌دهند و مسئولیت کمیته بر عهده معاون مربوط در وزارت می‌باشد. برای هر کمیته وظایفی مشخص شده است و برنامه زمان‌بندی برای تهیه برنامه تهیه گردیده است. این تشکیلات به اطلاع دانشگاه‌ها رسیده و برای آنها وظایفی مشخص گردیده است. البته نوع سازماندهی و تشکیلات برای دانشگاه‌ها پیشنهادی است. یعنی هر دانشگاهی با توجه به مجموعه شرایط خودش سازماندهی و تشکیلات لازم را به وجود خواهد آورد. به منظور ارتقای دانش و مهارت طراحان برنامه دوم توسعه آموزش عالی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی و کسب آمادگی لازم برای مشارکت هر چه سریع‌تر در طراحی برنامه دوم، با همکاری تعدادی از اعضای هیأت علمی متخصص در برنامه‌ریزی از چند دانشگاه کشور، و استفاده از تجربه سازمان بهداشت جهانی و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش تحقیق، کارگاه آموزشی برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی طراحی گردید.

توصیه‌ها

اکنون که در آغاز طراحی و تدوین برنامه دوم توسعه کشور هستیم، توجه به موارد زیر به عنوان درس‌هایی از تجربیات برنامه اول ضروری است:

۱ - تازمانی که رؤسای دانشگاه‌ها به امر برنامه‌ریزی و داشتن برنامه اعتقاد و ایمان پیدا نکنند، تلاش‌های جاری به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اکنون در تعدادی از دانشگاه‌ها با همت تعدادی از رؤسا توجه جدی به امر برنامه‌ریزی مبذول شده است. نمونه آن، دانشگاه فردوسی مشهد است که از طریق یک طرح تحقیقاتی برنامه دانشگاه را

تا سال ۷۷ طراحی نموده است. دانشگاه تهران نیز با ایجاد معاونت طرح و برنامه با همکاری ۱۰۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه، مشغول طراحی برنامه دانشگاه تا سال ۱۳۸۱ می‌باشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان نیز با همکاری آقای دکتر تقی پورظهیر، استاد برنامه ریزی، مشغول طراحی برنامه برای دانشگاه است. همچنین دانشگاه ارومیه مشغول طراحی برنامه برای دانشگاه خود می‌باشد. باید تلاش نمود که اعتقاد و ایمان به برنامه و برنامه‌ریزی در مدیران دانشگاهی به وجود آید.

۲- سازماندهی و تشکیلات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی در دانشگاهها پیش بینی و ایجاد گردد.

۳- نیروی انسانی متخصص و باتجربه و دارای انگیزه برای طراحی برنامه در دانشگاهها حضور دارند. باید آنها را شناسایی نمود و شرایط لازم برای همکاری آنها را فراهم کرد.

۴- منابع مالی و تجهیزات و ابزار لازم برای برنامه‌ریزی دانشگاهها وجود دارد. باید آنها را شناسایی کرد و به خدمت گرفت. نمونه بارز آن کار دانشگاه مازندران در سال ۶۴، دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۶۹ تاکنون و دانشگاههای تهران، سیستان و بلوچستان و ارومیه می‌باشد.

۵- کمبود اطلاعات قابل اعتماد و روزآمد در دانشگاهها را باید با ایجاد پایگاههای اطلاعات، با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و نیروی انسانی کارآمد، جبران نمود و از این طریق نظارت و ارزشیابی مراحل اجرایی برنامه را بهبود بخشید.

۶- تجهیز زیرساخت علمی دانشگاهها، شامل فضای آموزشی، تجهیزات آزمایشگاهها کارگاهها، کتب و مجلات علمی و شبکه‌های اطلاع رسانی علمی کتابخانه‌ها، که به علت محدودیت زمانی در برنامه اول انجام نشد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

۷- ایجاد فضاهای پژوهشی مورد نیاز دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، از نظر طراحی و اجرای پروژه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا دانشگاههای ما اغلب برای اجرای دوره‌های کارشناسی طراحی شده‌اند.

۸- پیش بینی و برآورد اعتبارات ریالی و ارزی جاری و عمرانی بهتر است از روش مطالعه و بررسی جزبه کل انجام شود. زیرا تجربه برنامه اول نشان داد که استفاده از روش مطالعه کل به جز در برآورد اعتبارات چندان قابل دفاع نیست و پایه استدلالی آن در موقع تلفیق و تصویب برنامه ضعیف می‌باشد.

۹- در مورد کارکنان غیر هیأت علمی مورد نیاز برنامه دانشگاه، از نظر رشته و مقطع تحصیلی و نحوه جذب و به کارگیری آنان، باید بررسیهای جدی صورت گیرد.

- ۱۰- باید تلاش نمود هیأت علمی مورد نیاز در برنامه دانشگاه‌را به تفکیک رشته و مقطع تحصیلی در گروه‌های آموزشی و سال‌های برنامه برآورد نمود. متأسفانه این کار در برنامه اول انجام نشد.
- ۱۱- طرح‌های عمرانی برنامه دانشگاه‌باید با توجه به اولویت‌های دانشگاه، برنامه کلان بخش، امکانات و نیازهای کشور طراحی گردد.
- ۱۲- تغییرات لازم در سازماندهی و تشکیلات موجود دانشگاه باید به منظور اجرای برنامه پیش بینی شود.
- ۱۳- در طراحی برنامه‌دواصل مهم واقع بینی و آرمانگرایی راهمیشه باید مدنظر داشت.
- ۱۴- عدم مشارکت دانشگاه‌ها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی منجر به بروز مشکلات مدیریتی در آینده، از قبیل کسر بودجه جاری و عمرانی، افت کیفیت آموزش و تحقیق و کاهش کارآیی دانشگاه خواهد شد. لذا، ضرورت دارد در مراحل طراحی، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت بر برنامه حضور فعالی داشته باشند.
- ۱۵- داشتن برنامه و اجرای موفقیت آمیز آن، موجب احساس رضایت خاطر و اعتماد به نفس در مدیریت می‌گردد.
- ۱۶- مدیر برنامه‌ریز و برنامه‌دان و با برنامه، با استفاده از فرصت‌های مناسب، می‌تواند حمایت دیگران را جلب نموده و منابع لازم را تهیه نماید. در ضمن او می‌تواند کارآیی مدیران رده پایین و همکاران خود را به درستی ارزیابی کرده و به موقع آنان را مورد تشویق قرار دهد.
- ۱۷- تهیه گزارش عملکرد گذشته و وضع موجود و برنامه آینده دانشگاه، سند معتبری برای مدیریت در رده‌های مختلف به حساب می‌آید و در واقع، چراغ‌راه و راهنمای عمل مدیریت می‌باشد. ضمن آنکه منابع مهمی برای پژوهشگران محسوب می‌شود.
- ۱۸- برنامه‌ریزی یک فرآیند مستمر و دائمی و پویا است و نباید با آن به صورت انفعالی، مقطعی و فصلی برخورد گردد.

منابع:

(۱) سازمان برنامه و بودجه. "روش‌های برنامه‌ریزی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

- ۲) سمینار برنامه‌ریزی بخش آموزش عالی. "گزارش سمینار برنامه‌ریزی بخش آموزش عالی". تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت هماهنگی، ۲۲ و ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۸.
- ۳) نفیسی، عبدالحسین. "مروری بر تجربیات برنامه‌ریزی در ایران". فصلنامه تعلیم و تربیت (سال ۱۳۷۱) شماره ۲۹، ۳۰.
- ۴) وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کمیته برنامه‌ریزی آموزش عالی و تحقیقات - کتاب بررسی عملکرد آموزش عالی ایران (۶۷-۵۸)، جلد اول، اسفند ماه ۱۳۶۷.
- ۵) وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کمیته برنامه‌ریزی آموزش عالی و تحقیقات - کتاب برنامه بخش آموزش عالی و تحقیقات - جلد اول (۷۲-۶۸)، خردادماه ۱۳۶۸.